

خیلواکی



استقلال

www.esteqalaal.net

شنبه ۰۷ اگست ۲۰۲۱

ناتور رحمانی

(سه ابر قدرت ، چهار شاه شجاع ...)

تجاوز مستقیم امپریالیزم خون آشام بر سیستم نظامی ، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی کشور، دور دگر مبارزه برحق خلق و جنگ مقاومت توده ها را می طلبد ، چه نیروهای اشغالگر تمامیت حیات اجتماعی مردم این سرزمین را زیر سوال قرار داده و استقلال نبوده آنرا بخصوص در سی سال آخر فرو تر از انگاشت و باور بی محتوا ساخته است .

از نخستین شاه شجاع ، تا این شاه شجاع چهارم از تیپ شوونیست های تک حجره پی برای اعتبار بخشیدن به ریاست بی اعتبار خویش رنگین بازی های سیاسی و ترفند های مضحکی را زیر سایه یانکی های تفنگدار و پر و بال نیروهای هوایی امپریالیستی اعم از انتخابات تقلبی برای ریاست جمهوری ، جرگه های اضطراری ، کمیسیون سازی و پارلمان بازی به نمایش گذاشته و میگذارد ، درین نمایش های سرکس گونه خیل از غلامان دون همت چپ و راست ، آنانکه بدبختانه چون مور و ملخ به جان وطن و مردم بلاکشیده آن افتاده اند و همواره بیشرمانه در آستان بوسی ، چکمه لیبسی ، خوش خدمتی و وطنفروشی از همدیگر گوی سبقت ربوده اند ، برای شاه شجاع خرسک بازی های خنده آوری را براه می اندازند .

دست نشانده امپریالیزم برای اغوا نمودن مردم و منحرف ساختن اذهان توده های ستمدیده شعار **(دموکراسی)** را چون آهنگ متن نمایش ها از زبان سوسماری ارباب یا اربابانش پخش مینماید ، اشعار بلند بالای این تصنیف بازسازی ، امنیت ، خلع سلاح ، آشتی و مصالحه ، مبارزه با اشکال ستم اعم از ملی ، مذهبی ، جنسی و غیره ، محو و امعای تروریزم ، مافیای تریاک ، آدم ربایی ، قاچاق آثار تاریخی ، مبارزه با فساد اداری ، ارتشا ، فحشا ، جرایم و انحرافات اخلاقی ، مجادله برای بهبود زندگی مردم و رهایی آنها از چنگال فقر ، مرض ، بیسوادی ، بیکاری ، بی خانگی و ... دهها گپ خوشایند ، فریبنده و آرامش بخش دیگر را توصیف و تکرار میکند .

یک نظر اجمالی به وضع سیاسی ، اقتصادی ، نظامی ، اجتماعی و فرهنگی مسلط بر کشور شگردهای نمایش را برملا ، دروغ های بزرگ را افشا ، چهره های نقاب پوش بازیگران را رسوا و اهداف نهایی امپریالیزم و یارانش را هویدا میسازد ، یک تشریح کوتاه پیرامون هریک ازین نمونه های به اصطلاح (**دموکراسی**) در درازنای هشت سال:

۱ – **بازسازی؟!** که در اصل (**بازی سازی**) بوده یعنی مفهوم بازی (**فریب**) و سازی به معنای (**سازش**) را می رساند که پیوند تنگاتنگ دارد با چاکران دور کرسی و کرسی نشین ها ، آنچه خمس ، زکات ، خیرات و صدقه خواسته یا داده شده میرسد شبیه کلوله برف دست بدست میگردد و در آخر شاید برای دوباره سازی سرزمین ویران شده افغانها فقط همان چرک آبه دست بازیگران فرو میچکد که به هیچوجه مرهم هزارها زخم نخواهد بود... نمونه سازی به عنوان (**خاله خاطرت نماند**) جغله اندازی چند سرک ، پخته کاری چند جاده ، دوباره سازی و اعمار چند بنا مثل (شفاخانه جمهوریت ، سرک کابل قندهار) وغیره که جوان نشده جوانمرگ شدند ، و مگر در مجموع کنار تمام ویرانه های اندوهبار قد افراشتن پلازها ، مارکیت ها ، هتل ها و بلند منزل های شخصی مربوط امیر ، مارشال ، وزیر ، والی ، وکیل ، قومندان ، فراش و کلاش چپاولگر افاده کننده بازسازی است؟!

۲ – **دموکراسی؟!** در حیطه ای تسلط ببر خون آشام واژه (**دموکراسی**) تمسخر دردناکی است به باور ملت خرد شده زیر فشار دیکتاتوری و ستم رژیم های رنگارنگ ، وقتی حق بیان ، تحریر و اشاره بر حقایق ملموس جنایت پنداشته میشود و احدی حق اعتراض بر خودکامگی دستگاه و خودبرش های غیر قانونی را ندارد ، دگر **دموکراسی** چه مفهومی خواهد داشت؟! وقتی دروغ و ریا بر رُک و راست بودن خط میکشد و شفافیت در مرداب گندیده کذب مدفون میگردد و یا به زندان ستم زنجیر میگردد ، دگر **دموکراسی** چه ارمغانی خواهد بود؟!

۳ – **امنیت؟!** بی محتواتر ازین واژه را مردم افغانستان نمی شناسند ، وقتی دزد در لباس پاسبان ، جانی در شکل بانای و خاین، خادم مردم خود را معرفی نمایند ، حضور فعال داشته باشند و در روشنایی آفتاب سرمه را از چشم برابیند ، وقتی گلیم از خانه ها جمع می کنند ، آدم ها را اختطاف مینمایند و به اطفال تجاوز جنسی مینمایند ، وقتی صدای وحشتناک انفجار هرازگاهی از هر گوشه شنیده میشود و قربانی میگیرد آنهم زیر چتر حمایت امپریالیزم و متحدینش ، دگر از امنیت حرف زدن گناست؟!

۴ - **خلع سلاح؟! آنکه در طول سالهای دهشت و وحشت با زور سلاح به نوای رسیده چگونه ممکن است سلاح بر زمین بگذارد و چراغ جادو اش را بشکند ، جنگ سالار میداند کدام سلاح را بر زمین بگذارد که (هم لعل بدست آید و هم یار نرنجد)** زیرا او تجربه کافی در تفنگ بازی دارد ، و چنین است که رژیم شروفساد تا حال داس به کلوخ تیز میکند ، وگرهم موفق به خلع سلاح گردد ، مرام ضعیف ساختن رقیبان سیاسی است، و تخریب سلاح برای رفع نگرانی های اربابش (**عموسام**)؟! **۵ - مبارزه با انواع ستم!؟**

الف : ستم ملی!؟ اگر اقوام باهم برابر و حقدار در حیات اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی افغانستان اند ، پس چگونه است که (**آش را باید از همان کاسه ی دوصدوچندساله بخورند**) و تنها قوم حاکم بر مقدرات اقوام دیگر آنها باشند که با هر ترفند ، بی حیایی و رسوایی ، استخوان شکنی مینمایند ، حالا از هر قوم و قبیله که باشند، پشتون ، تاجیک ، ازبک ، هزاره ، ترکمن ، نورستانی ، بلوچ ، هندو ، پشه یی و غیره ، آنها تا رستاخیز و روز قیامت ، از برکت زور ارباب شان دگر اقوام را محروم از مزایای شهروندی و وطنداری نموده ، تحت ستم و فاقد اختیار قرار میدهند ، دگر رفع ستم ملی چگونه خواهد بود؟!؟

ب - ستم جنسی!؟ ستم بر زن اگر ابعاد گسترده ندارد، از نظر شکل ، محتوا و ساخت همانگونه است ، ستم ، جفا و ظلم بزرگ به حق زن، موجود قابل حُرمت ، که هم مادر است و هم خواهر ، هم همسر است و هم یاور ، او را سنگسار مینمایند ، زنده بگور میکنند و به وی تجاوز مینمایند ، حتا اگر کودک خرد سالی باشند ، دختران خرد سال را به حباله ای نکاح خویش درمی آورند ، وقتی حق انتخاب از آنها حذف شده به شخصیت شان توهین میگردد ، آنها از نهایت بیچارگی خودسوزی مینمایند ، آنها به امر ملا مجددی ، ملا مُحسنی ، ملا انصاری ، ملا برادر ووو هر روز هزاربار تحقیر و توهین میگردند و

ج - ستم مذهبی!؟ حکومت های غیرملی و غیرمردمی همیشه و بطور مستدام جهت حفاظت و بقای خویش از پوشش مذهب کار گرفته مخالفین خود را با انواع تعبیر و تفسیرهای من درآوردی مذهبی تکفیر نموده ، صدای اعتراض شانرا خاموش ساخته اند ، در تطور زمان روحانیون مزور ، کاسه لیس ، ریاکار در خدمت دستگاه فاسد ، مستبد ، خودکامه ، جابر و دست نشانده بوده اند ، آنها نقش خویش را در ضدیت با ترقی، نهضت، انکشاف ، نوآوری و شادمانی به وجه احسن ایفا نموده اند ، از ملای لنگ گرفته تا ملاعمر ، ملا ربانی ، ملا سیاف ، ملا مجددی ، ملا مُحسنی ، ملا انصاری ،

ملا برادر و دهها ابلیس دیگر ... (بی دین بنام دین سر دیندار بریده است ، تا بر مقام و ثروت دنیا رسیده است)

۶ - **مبارزه با تروریسم؟! مفهوم کلی تروریسم یعنی « کشتار انسان »** آدم کشی به هر نوع و عنوانی که باشد ترور است ، وقتی امپریالیسم خون آشام برای بقا ، منفعت و نیل به اهداف استعماری خویش در هر گوشه از جهان انسان میکشد ، بویژه وقتی در کشور ما بلا های (هفت سر و هشت سر) را بجان مردم بی دفاع و بیگناه انداخت ، تروریسم را مایه گذاشت ، وقتی (لشکر جاهل و بی فرهنگ) را برای پاک کاری سرزمین افغانها از وجود چاکرهای بی کفایت و متمدن خویش گسیل نمود و هزارها جفا را بنام اسلام به حق مردم مان کرد ، تروریسم را ترویج نمود ، وقتی به بهانه دفاع از حق مردم امریکا ، انتقام از عاملین حادثه (یازدهم سپتامبر) جنگ با القاعده و غیره ، با نیروی سترگ نظامی خود و هم پیمان های خویش به خاک افغانها تجاوز نمود ، برای افغانها بدون خواست شان امیر و سلطان انتخاب کرد ، تروریسم را وسعت بخشید ... پس آنکه خودش بانی و حامی تروریسم بین المللی باشد چگونه میتواند تروریسم را محو و نابود بسازد ، که هم اکنون در سازش و جوشش با دشمنان سوگند خورده مردم زیر نام عفو عمومی کارسازی میکند « **گندیدگی مکروب را زایل نمی سازد** ».

۷ - **مبارزه با مافیای تریاک؟! وقتی تفنگدار دیروز ، امروز ، وزیر ، والی ، وکیل ، حکمران ، برادر و خویش و تبار رئیس دولت است و مالک مزارع بزرگ کشت و تولید کوکنار ، چگونه میشود مانع زرع تریاک شد که درآمد خالص آن شکم مافیای مواد مخدر را متورم و کمر اقتصاد جنگی شانرا برضد مردم پولادین میسازد ... باز افکار مخدوش ، علیل ، خوابیده ، بی عرضه ، مریض و معتاد بمراتب رحجان دارد نسبت به مفکوره های سالم ، بیدار ، ستیزنده ، بااستعداد و عدالتخواه ، مگر قدرت جهانخوار استعمار و سرمایه چنین نمی خواهد ؟**
حالا این معتاد بدبخت هرکی باشد مهم نیست ، یک امریکایی ، یک اروپایی ، یک افریقایی ، یا یک افغان

۸ - **مبارزه با قاچاق آثار تاریخی؟!**

حکایتی بیانگر این وضع است ، روایت شده است که : **وقتی گاندی رهبر انقلابی مردم هند برای مذاکره بخاطر استرداد استقلال هندوستان از سلطه ای استعمار بریتانیا به لندن رفت ، همان لباس همیشگی را دربرداشت (که در عکس هایش دیده میشود) رئیس تشریفات امپراتوری با احترام**

گوشزد نمود : « جناب گاندی ! درین محفل روسای زیادی از ممالک بزرگ گرد آمده اند ، و شما با همین لباس می‌خواهید اشتراک نمایید ؟ »
گاندی جی جواب داد : « شما انگلیس ها برای ما چیزی باقی نمانده اید تا بپوشیم ، به جز همین اُنْگ و چپک ، همه را تاراج نمودید .»

وقتی دار و ندار مادی و معنوی افغانها به دستور سوسیال امپریالیزم ، امپریالیزم ، استعمارگران جهانی و نوکرهای بومی شان چپاول و تاراج گردید ، دگر از قاچاق کدام آثار تاریخی دولت طرار جلوگیری مینماید ؟ شاید از بودای ویران شده !!

۹ – مبارزه با فساد اداری؟! گویند هر معلول علتی دارد ، وقتی ملیون ها مهاجر و آواره به امید کار ، تحصیل ، حفظ آبرو و زندگی بهتر به کشور شان برگشتند ، در سرزمین آبایی شان بی روزی ، بیکار ، بی سرپناه و بی آبرو شدند ، وقتی فقر ، مرض ، بیکاری و بی سوادی بیداد میکند ، آدم ها برای بقای زندگی شان در آشفته بازار غیرمصون گلوی همسایه شانرا می‌جووند ، فساد چگونه ریشه کن خواهد شد ؟ اجتماع مکروب زده ای ملاریایی وقتی ضد عفونی و سالم می‌گردد که سردمداران مفسد ، چپاولگر ، خاین و قافله دزدان حریص به دار فقر ، انصاف یا عدالت آویزان شوند ، آنگاه محیط سالم ، امراض گم و نابسامانی ها سامان میابد . آب اگر از بالا خت باشد ، انتظار آب شیرین و زلال سادگی است ، وقتی حاکم سبب به یغما برد ، رعیت درخت از ریشه برکند ، در شوره زار سرو و سمن نروید و

کوتاه ، این ترجیح بند ها و ترانه های لالایی برای کشور اشغال شده و ملت تحت ستم ، اسیر ، فقیر و در بلا مانده ای افغان، آزادی ، رفاه ، نان ، حرمت ، امنیت ، شادی و خواب آرام نمیشود ، حالا از هر دهنی که باشد ، از دهن ارباب بدزاد یا غلام خانه زاد .

مگر افغانها، تاریخ سیاسی و مبارزاتی افغان ها، هیچ شاه شجاع و غلام حلقه بگوش خاین را نخواهد بخشید ، ولو با نیروی هر ابر قدرتی بر سریر حکومت نشانده شوند ، آنها همانگونه بدنام تاریخ و شرمسار زمانه خواهند بود

وقتی افغان ها از آزمون زمان پیروز بدرآیند ، آنگاه دشمنان رنگارنگ خود را شناخته و با انباری از تجربه اندوخته دگر فریب هیچ شغال و شیادی را نخواهند خورد ، آنها در سایه وحدت ملی و پیوند تمام اقوام ساکن در افغانستان مالک خاک و خانه خود شده ، و با درایت در حفظ و پاسداری آزادی و استقلال ، تمامیت خاک ، دموکراسی ، حرمت انسان و ارزش های زندگی کوشا و دقیق خواهند بود .